



31 اکتوبر 2014



داکتر سیدعبدالله کاظم

## ملکه ثریا - بنیان گذار نهضت زنان کشور

در این روزها مطالبی درباره خانم رولا غنی، خانم رئیس جمهور داکتر اشرف غنی در رسانه به نشر میرسد که او میخواهد نقش فعال در بهبود امور زنان کشور داشته باشد. در این ارتباط گفته میشود که رولا غنی پس از ملکه ثریا خانم شاه امان الله غازی دومین خانم یک رئیس دولت است که میخواهد در این راه تا حد مقدور مصدر خدمت شود. وقتی از ملکه ثریا به حیث پیش قدم این نهضت نام برده میشود، نزد بعضی ها این سؤال مطرح میگردد که:

آیا ملکه ثریا به حیث یک زن پیش قدم در نپوشیدن چادری و به حیث همسر پادشاه بیشتر با هم سفر بودن با اعلیحضرت و اشتراک در محافل رسمی موقف تشریفاتی و سمبولیک داشته، یا اینکه اسنادی مؤثق در دست است که بیانگر فعالیت اجتماعی او در امور زنان و یا رهبری و سر پرستی کدام مؤسسه خیریه بوده باشد و آیا متن بیانیه ملکه در کدام محفل رسمی در زمینه وجود دارد؟

در این ارتباط به حیث یک محقق مسائل تاریخی و اجتماعی کشور میخواهم به سؤال های فوق متکی به اسناد و بطور مختصر مطالبی را بعرض برسانم، چنانکه در این باره در صفحات 140 تا 172 کتاب "زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد" از این قلم به تفصیل بیان شده است. (کاظم سیدعبدالله: زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد، چاپ اول نوامبر 2005، کابل، در جمعاً 602 صفحه)

### مکتب مستورات - گام نخست:

اعتلای معارف عصری یکی از آرزوهای قبلی شاه امان الله بود. موصوف در محفل جشن استقلال (1307) در پغمان در برابر این سوال که چگونه می توان از استقلال کشور دفاع کرد، چنین جواب داد: «باید به قلوب اولاد خود حس وطن دوستی و فداکاری را تولید کنیم زیرا وقتیکه فداکار باشیم، هیچ وقت استقلال از دست ما نخواهد رفت. در صورتیکه اولاد صالح شما صاحب تعلیم و تربیه شود، حاجت به ریختن خون ندارد، محافظ استقلال معارف خواهد بود، پس در معارف و تعلیم بکوشید و اولاد خود را به غرض تعلیم و تحصیل در ممالک متمدن و بزرگ دنیا فرستاده از خود دور کنید...» (وکیلی فوفلزائی، عزیزالدین: سفرهای غازی امان الله شاه در دوره کشور آسیا و اروپا 1306 - 1307، چاپ دوم - پشاور 1379، صفحه 269)

شاه و ملکه هر دو بر تعلیم تربیه نسوان جداً تأکید داشتند و آنرا در صدر پروگرام های اصلاحی خویش قرار دادند. برای اولین بار در سال 1920 یک اداره زیر نام "نظارت معارف" تشکیل گردید و سپس پروگرام درسی نسوان توسط انجمن علمیه روی دست گرفته شد که در ختم همان سال با تاسیس اولین مکتب نسوان در افغانستان بنام مکتب مستورات دروازه تحصیل برای زن افغان بازگردید. مکتب توسط زنان خانواده شاهی اداره میشد. ملکه ثریا با حمایت معنوی شوهر و والدین خود بعنوان "مفتشه" از امور مکتب و ارسای میکرد مادرش "اسما رسمیه - خانم محمودطرزی" که زن با فرهنگ و دانشمند بود، مدیره مکتب و خواهر ملکه (خیریه خانم معین السلطنه) به حیث معاونه ایفای وظیفه میکرد. مکتب مستورات بیرون قصر شاهی در ناحة "شهرآرا" در خانه علی احمد خان والی واقع بود که بیشتر شاگردان آنرا در سال اول در حدود 50 دختر از خاندان شاهی تشکیل میدادند. معلمه های اولی این مکتب آنده خانمای بودند که در خانه سواد خواندن و نوشتن را آموخته و قدری از علوم دینی و ادبی آگاهی داشتند. در مدت کوتاه شاگردان مکتب چنان افزایش کرد که در پنج صنف ابتدائی تقسیم شدند و مکتب نیز به یک عمارت بزرگتر در قلب شهر مسما به "ده افغانان" در نزدیک محل مشهور به

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

(حوض مرغابی ها) و دریک عمارت بزرگ بنام (گلستان سرای) که از طرف (بویوجان) ملکه امیر عبدالرحمن خان به مکتب اهدا شده بود، انتقال یافت. در همین وقت هیئت اداری مکتب مشتمل بر دو خانم از همسران ملکه بنامهای "بلقیس و روح افزا" یکی به حیث مدیره و دیگری به حیث کاتبه (منشیه) و همچنان یکی از زوجه های امیر شهید مسما به "فیروزه" ملقب به "بدرالسراری" به حیث مبصره جدیداً مقرر گردیدند. خانم می سکینازی (فرانسوی) در رساله کوچک تحقیقاتی خویش زیر عنوان زنان افغان- تعلیم و فعالیت های اجتماعی در عصر امانی (1919-1929) اسامی نخستین معلمان داخلی و خارجی این مکتب را ذکر کرده و آنها را پیشتازان گمنام تعلیم و تربیت نسوان در افغانستان لقب داده که بخاطر قدردانی از این مریبان پیشتاز نسوان به معرفی ایشان برای نسل جوان کشور مختصراً می پردازم:

- مریم (صبیه عبدالباقی خان اهل سرخاب میمنه) معلمه دری و تاریخ (سابق معلمه حرم شاهی)،
- حمیرا (صبیه پروفیسور غلام محمد میمنگی رسام شهیر کشور)،
- امنته الرسول (والده میر غلام حضرت شایق جمال) معلمه دری،
- فاطمه معلمه دری،
- خدیجه (دختر عموی ملکه) معلمه خیاطی و موسیقی،
- عایشه ملقب به بی بی خوری معلمه قرآن مجید و ادبیات،
- بی بی خاجو و بی بی کو معلمه های آشپزی،
- معلمین مرد که در مکتب نسوان تدریس میکردند، عبارت بودند از:
  - پروفیسور غلام محمد میمنگی رسام،
  - صوفی عبدالحق بیتاب (بعداً ملک الشعرا)،
  - قاری عبدالله (بعداً ملک الشعرا)،
  - فیض محمد زکریا (بعداً وزیر معارف و وزیر خارجه)،
  - سید جمال الدین (هندی) معلم ریاضی،
  - محمد عزیز "نادر" معلم ریاضی،
- از جمله معلمان خارجی:
  - عادلہ حیدر (از ترکیه همسریکی از صاحبمنصبان اردو)،
  - خانم لفین (از جرمنی همسر مدیر مکتب جدید "امانی" معلمه آشپزی و تدبیر منزل،
  - خانم الف خان،
  - خانم کولین (سوئیسی) معلمه دربار
- و یک تعداد خانم های هندی که همسران مهاجران هندی مقیم کابل بودند.

در اینجا قابل ذکر است که گاه گاه شاه امان الله نیز به مکتب رفته و به تدریس دری می پرداخت و اصول خود را بنام "اصول غازی" برای تدریس دری استفاده می کرد.

مکتب مستورات تا ختم دوره سلطنت شاه امان الله خان به روی دختران باز بود، البته به استثنای چند ماه در سال 1924 که بنابر شورش علیه اصلاحات بخصوص در برابر نهضت تعلیم نسوان درخواست برپاشد، مکتب مسدود گردید. سه ماه بعد دوباره دختران در جاده های شهر دیده شدند که به مکتب می رفتند، اما این بار مکتب در داخل قصر شاهی و نخست به حیث مکتب خانگی بعداً بصورت رسمی فعال گردید. (مادر نویسنده در همین مکتب تا صنف سوم ابتدائیه درس خوانده و خاطرات کم و بیش خود را از مکتب تازمان بسته شدن آن در اواخر سال 1928 برایم بیان داشته است). از سال 1926 مکتب مستورات از ابتدائیه به متوسطه (رشدیه) ارتقا کرد و تعداد شاگردان نیز در آن سال بالغ به 300 نفر شد و در سال 1928 تعداد به 800 شاگرد افزایش یافت.

در آغاز فقط دختران خاندان شاهی و فامیلهای اشرافی کابل امتیاز رفتن به مکتب را داشتند، ولی دیری نگذشت که به اثر تقاضای مردم مکتب جدید نسوان افتتاح شد و مردم عامه نیز در آن راه یافتند. مکتب (عصمت) دومین مکتب نسوان بود که در کابل گشایش یافت و بعداً به لیسه "مللی" مسما گردید و همچنان مکتب دیگری در ناحیه چنداول بنام مکتب "سه دکان" وجود داشت که سر معلم آن خانمی بنام "رابعه" صبیه منشی ندیر هندی بود. (اسکینازی، می: زنان افغان - تعلیم

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولی

و فعالیت‌های اجتماعی در عصر امانی 1919 - 1929، مترجم: رقیه (ابوبکر) حبیب، چاپ اول، لیموز - فرانسه 1998،  
(صفحه 47)

در یک اعلامیه شاهی به امضای ملکه ثریا که اصل آن در آرشیف ملی افغانستان موجود است، بعد از یک مقدمه طولانی مبنی بر لزوم "منطقی و قانونی" تحصیل زنان چنین آمده است: «در پاسخ به یک ضرورت عاجل، سال گذشته دو مکتب دخترانه یکی مکتب مستورات در سرای علیا و دیگری مکتب عصمت در قلعه باقرخان کابل تاسیس شدند که اولی کمی دورتر از شهر و دومی کوچک بود، لذا تصمیم گرفته شد تا هر دو مکتب یکجا شده در گلستان سرای جابجا شوند که اتاقهای فراوان برای بیش از 800 شاگرد دارد. بدین ترتیب متعلمه‌ها میتوانند در یک محل درس خوانده و از لباس، غذا، چادر و کتاب که از طرف دولت تهیه میگردند، بصورت مساوی استفاده نمایند. یک عده معلمان داخلی و خارجی به آنها در ساحت اقتصاد خانواده، تربیت طفل، خیاطی، بافت و آشپزی درس میدهند. این مکاتب برای تدریس دختران بین سنین هشت تا ده ساله اختصاص دارند و برای خانم‌های بزرگتر مکاتب مسلکی جهت تعلیم آنها در رشته آشپزی، خیاطی و ساختن گل‌های مصنوعی تاسیس شده است. هدف این مکاتب رهائی زنان از وابستگی اقتصادی شوهران شان و کمک به اقتصاد فامیل می باشد. در سال 1301 شاگردان نمر اول، دوم و سوم این مکاتب موفق به دریافت جوایز 1000 روپیه، 700 روپیه و 400 روپیه خواهند شد که البته اول نمر عمومی جایزه 1500 روپیه را دریافت خواهد کرد. مکتب مسلکی "صنایع اناتیه" نیز در گلستان سرای به فعالیت شروع خواهد کرد.... معلمین با معاش لازم استخدام میشوند.... هدف این اعلامیه اطلاع به کسانی است که خواهان شمول در مکتب مستورات و یا مکتب صنایع اناتیه باشند و همچنان کسانی که بخواهند به حیث معلم در آنجا ایفای وظیفه کنند، درخواست‌های خود را بامختصر سوانح به مدیر مکتب مستورات بسپارند. در این مرحله شاگردان به چند صنف به اساس سویه شان تقسیم خواهند شد..»

در ذیل این اعلامیه ناظر مکاتب زنان، ملکه ثریا "شاه خانم" امضا کرده است و این اعلامیه پادشاهی در آرشیف ملی افغانستان، سند شماره 197، 37 محفوظ میباشد. (متن فوق از روی متن انگلیسی آن از ضمیمه کتاب سنزل نوید تحت عنوان "واکنش‌های مذهبی و تحولات اجتماعی در افغانستان" برگرفته شده که بعداً کتاب مذکور بطور مکمل توسط محمدنعیم مجددی ترجمه و در سال 1388 در هرات به چاپ رسیده است. متن مکمل این اعلامیه پادشاهی را میتوان در ضمیمه سوم کتاب صفحات 280 الی 282 مطالعه کرد)

### "شفابخانه مستورات":

از اواخر قرن 19 بدانسو طبابت عصری در افغانستان قدم بقدیم رایج شد. نخست این امتیاز تنها برای امرای کشور با استخدام یک یا چند داکتر خارجی (نخست از هند و بعد از ترکیه) منحصر بود و بیشتر شامل حال مردان و اطفال می شد و زنان بطورکلی از آن محروم بودند. در جنوری 1924 برای اولین بار در کشور شفابخانه مخصوص نسوان تاسیس گردید که در آن دو نفر داکتر زن و دو قابله آلمانی و ایتالوی و یک داکتر نسنائی ایتالوی بنام داکتر ریجنولی بکار آغاز کردند. البته رسیدگی به امور ولادت‌ها قبلاً همیشه در منزل و به کمک زنان باتجربه محلی بنام "دایه" صورت میگرفت و توأم با خطرات بسیار برای نوزاد و مادران بود. عمارت شفابخانه متعلق به اخت السراج (عمه شاه امان الله) واقع قلعه باقرخان بود که نخست امور آن توسط سراج البنات (خواهر شاه) و بعداً اخت السراج و سردار بیگم یکی از عمو زاده‌های او اداره می شد. این شفابخانه تاریخی تا امروز بشکل انکشاف یافته آن هنوز هم در همین محل فعال است. (اسکینازی، می: زنان افغان..، صفحه 8)

### رفع حجاب

آزادی زنان از قید برقع (چادری) و سهم آنها در کار و فعالیت‌های اجتماعی یکی از آرزوهای اولی شاه امان الله بود که اساس آنرا محمود طرزی با نوشتن مقالات متعددی در سراج الاخبار گذاشت. ملکه ثریا نیز زیر تأثیر نظریات بهیخواهانه پدر و حمایت بیدریغ شوهر، در این راه از همان روزهای اول سلطنت شوهرش دست بکار شد. با تاسیس مکتب مستورات ملکه به کمک مادر و خوه‌ران خود و یک تعداد دیگر خانم‌های دربار نخست به فکر تعدیل چادری دولاق برآمد و کوشید چادری نسبتاً آزادتر را بین زنان مروج سازد. چادری مکتبی را برای دختران نیمه جوان انکشاف داد که شامل یک پیراهن و یا دامن دراز و یک چادر بزرگتر در سر بود. خوه‌ران ملکه نمونه دیگر چادری را از تکه کم وزن به رنگ سیاه برای دختران جوان و زنان طراحی کردند که مشتمل بود بر: دامن دراز تا بند پاها و یک یالان

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

فراخ نیم تنه بدون آستین که به روی شانه ها انداخته میشد و یک روسری از عین تکه و رنگ که موها را می پوشانید. جرابهای ضخیم و رنگ روشن و دستکشها بدست، واقعا یک ابتکار بسیار جالب و در عین زمان عملی و سهل بود. این چادری را بنام "چادری قندهاری" نیز می نامیدند.

این ابتکارات تا مدتی دوام کرد و اما تدریجاً مود و فیشن جدید برآن غلبه نمود، بخصوص بعد از ختم اغتشاش "ملای لنگ" (1924) شاه امان الله سلسله اصلاحات را در امور معارف نسوان و توأم با آن فراهم آوری سهولت ها برای رهایی زنان پایتخت از قید چادری بیشتر ساخت. سفر شاه و ملکه به خارج و چند خانم افغان در معیت ملکه یک گام بزرگ در این راه بود. ملکه در هند از جمعیت مردان فاصله گرفت و فقط در مهمانی های رسمی زنانه اشتراک کرد، در مصر هنگام پیاده شدن از کشتی فقط یک روپوش سیاه رنگ به روی خود گذاشت و موهایش را زیر کلاه پنهان کرد. در آنجا نیز ملکه با جمعیت مردان خلط نشد (البته به استثنای یکی یا دو جا) ، اما وقتی به ایتالیا رسید، مثل یک زن اروپائی با لباس اشرافی کلاه و بالاپوش دراز در بیرون و در دعوت ها با لباس معمول رسمی که هیچگاه تنش برهنه نبود، با شاه و دیگران یکجا اشتراک نمود. حین برگشت در ایران باز هم فقط یک روپوش نازک سیاه رنگ را بروی گذاشت، با شاه یکجا به بازار رفت و در اجتماع مردم ظاهر شد که ملکه ایران بر این وضع انتقاد کرد و نخواست ملکه افغان را در همه دعوتها همراهی کند. (شرح مزید: وکیلی فوفلزائی ، عزیز الدین: سفرهای...، صفحات مختلف و عکس های رسمی زمان سفر)

وقتی شاه و ملکه به وسیله موتر از ایران به وطن برگشتند و از راه هرات به قندهار آمدند، در آنجا نیز ملکه با یک روبند و کلاه ظاهر شد و حین ورود به کابل شاه و ملکه مورد استقبال عده کثیر اهالی به شمول یک عده زیاد زنان قرار گرفتند و آنها برای اولین بار چهره ملکه خویش را از زیر روبند مشاهده کردند. (نوت: عکس ملکه ثریا با تاج و زیورات نیم تنه با بازوان برهنه عکسی است که توسط مخالفین مونتاز گردیده و به هزارها کاپی در افغانستان و ماورای سرحد و هند برتانوی به مقصد تحریف ذهنیت عوام علیه شاه و ملکه در همان وقت انتشار یافت و متأسفانه که اکنون همین عکس را بعضی ها به حیث عکس اصلی پنداشته و در رسانه ها به نشر می سپارند).

یکی از پر جنجالی ترین اقدامات عصر امانی موضوع رفع حجاب بود که حتی در سقوط رژیم نقش بسیار عمده بازی کرد. شاه و ملکه هر دو متفقا به این نظر بودند که پوشیدن برقع یا چادری برای زنان اساس اسلامی ندارد و عرف مردم در طول زمان به آن وجه دینی داده است. جریده امان افغان که در حقیقت انعکاس صدای حکومت بود، یک مقاله ملکه ثریا را به نشر سپرد که بعد از سفر اروپا تحریر شده بود. ملکه در یک قسمت مقاله چنین نوشته بود:

«بصورت عموم دیده میشود که رسم و رواجها بعد از طی چند ایام بصورت یک اصل مذهبی درآمده است و این در تمام مذاهب واقع شده ، همین موضوع در مورد حجاب هم صدق میکند. درابتدا این مسئله خیلی ساده و یک معمول ملی بود، مگر به مرور زمان به حیث یک اصل مذهبی درآمده است.»

ملکه در ادامه مقاله نوشت: «اگر مسئله حجاب به شکل فعلی ادامه پیدا کند، امکانات پیشرفت و ترقی ملل شرق مخصوصاً مسلمانان ناممکن است. زنان در تمدن بشری نقش عمده داشته اند و من به جرأت میگویم تا زمانیکه طبقه اناث شرق تربیه لازم به اساس اصول جدید بدست نیاورند، در زندگی مفید بوده نمیتوانند. آنانیکه با نظر تنگ میگویند که زنان حتی با داشتن حجاب نیز تعلیم و تربیه را کسب نموده میتوانند، مفهوم تعلیم و تربیه را ندانسته اند. تعلیم و تربیه محض به خواندن و نوشتن اطلاق نمیگردد، بلکه تعلیم و تربیه به مفهوم وسیع آن عبارت از آمادگی عملی انسان از طریق درس ، تجربه و آزمایش های است که فقط از طریق مراکز عمومی تعلیم و دارالفنون ها میسر شده میتواند که این آمادگی در زیر پرده (چادری) ممکن نیست. بهر صورت من برای منفعت مردم شرق خویش به آنها توصیه می نمایم که روپوش های شانرا دور انداخته، راهی را انتخاب نمایند که قرآن توصیه نموده است.» (امان افغان، مؤرخ 25 جولای 1928)

شاه امان الله بعد از عودت به وطن در قندهار ضمن سخنرانی به مردم گفت: " من شخصا در اروپا مشاهده نمودم که زنان دوش بدوش مردان کار میکنند و در تمام ساحات زندگی و در همه امور سیاسی، اجتماعی و تجارتي سهم فعال میگیرند. شما میتوانید زنان را در دفاتر، در کارخانه ها و در فابریکه ها بیابید... خلاصه در هر جا بروید، زن هست، مگر در افغانستان زنان تنها این را میدانند که بیکار در خانه بنشینند و بخورند." آن وقت شاه روی خود را به چند زن

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

حاضر کرده گفت: " پس شما چه می‌توانید بکنید؟ بکشید شما خود پول بدست بیاورید. شما در مملکت تان هرگونه معدن دارید، آنها را استخراج کنید و از آن استفاده نمائید، شرکتها، فابریکات و کارخانه تاسیس نمائید و کمی زحمت و شجاعت به خرج دهید، در آنصورت مبالغ هنگفت پول بدست خواهید آورد". (سید رسول: نگاهی به عهد سلطنت امانی، از انتشارات کمیته فرهنگی اتحاد اسلامی مجاهدین افغان، چاپ اول، پشاور 1405 هجری قمری، صفحه 189)

در نتیجه همین طرز فکر بود که شاه امان الله در لویه جرگه پغمان (1307) از ملکه ثریا خواست تا به حیث اولین زنان افغان روپوش خود را در حضور نمایندگان مردم بطور رسمی از چهره بردارد و بدینوسیله به رفع حجاب رسمیت دهد. با آنهم لویه جرگه نه تنها به رفع حجاب مهر تائید نگذاشت، بلکه اکثر نمایندگان از این پیش آمد شاه و ملکه منزجر گردیدند و حتی بعضی ها صدای اعتراض رانیز بلند کردند.

رفع حجاب بزعیم شاه امان الله برداشتن برقع (چادری) بود که برطبق عنعنه زنان مکلف به پوشیدن آن بودند. او ستر شرعی را که شامل کف دستها و روی زن نیست و بارعایت آن زن میتواند بکار و مشغله متناسب به حال خود بپردازد، قبول داشت و حتی به قول وکیلی فوفلزائی شاه درلویه جرگه پغمان گفت: «من مسئله حجاب را آزاد میگذارم» و علاوه کرد: «تنها چیزیکه رعایت آنرا مینمایم مسئله ستر شرعی است، یعنی اگر دیدم بیشتر از حدودیکه در شرع انور آن آمده است مثلاً دستها الی بند و روی الی زنج، اگر بیش از این بی ستر دیدم، مجازات و جلوگیری خواهم کرد.» (وکیلی فوفلزائی: سفرهای... - صفحه 277)

برخی دیگر از محققین برعکس مینویسند که: "شاه امر نمود تا درجاده های مخصوص در پایتخت تابلوها گذاشته و نوشته شود که هیچ زنی با برقع نمیتواند از اینجا عبور نماید. پولیس ها این امر را تطبیق می نمودند" (سید رسول: نگاهی به... - صفحه 190)

#### انجمن "حمایت نسوان" و اشتراک در لویه جرگه

شاه و ملکه بعد از برگشتن از سفر اروپا، یکعده خانمها را تشوق کردند تا انجمنی را برای دفاع از حقوق زنان تشکیل دهند. این انجمن بنام "انجمن حمایت نسوان" در ماه جولای 1928 تاسیس شد و در راس آن یکی از خواهران شاه قرار داشت و تعداد اعضای آن بالغ بر 22 زن بودند. انجمن درحقیقت شکل یک مرجع دفاعی و نیمه قضائی را داشت که شکایات زنان را از شوهر ان شان بررسی میکرد، از جمله طور مثال ندادن نفقه کافی برای زن و یا لت و کوب زن از طرف شوهر و یا طلاق بدون موجب و غیره. انجمن یک هیئت رسیدگی به حال زنان را توظیف کرد تا به زنان مستقیماً به تماس شده و مشکلات شانرا دریافته و در صدد رفع آن برآید و حتی از زنان پیر خواسته شد تا بخانه ها بروند و جویای احوال زنان گردند. (ریه تالی، ستیوارت: آتش در افغانستان 1914 - 1929، مترجم: یار محمد کوهسار کابل، چاپ اول، پشاور 1380، صفحه 71)

همچنان به تعداد 12 نفر ازبین اعضای این انجمن درلویه جرگه 1307 پغمان به حیث وکلای طبقه نسوان تعیین شدند؛ این اولین باراست که زنان کشور در مجمع بزرگ ملی و تقنینی در کنار مردان با حقوق مساوی، البته در صف جداگانه اشتراک کردند. نمایندگان مشتمل بودند بر:

--شاهره ملقب به شرینجان خانم حبیب الله خان طرزی،

--سامیه همسر محمد کبیرخان سراج،

--شهزاده بیگم ملقب به بی بی گل همسر محمد حیدر خان اعتمادی خواهر محمد نادر خان،

--حضرت بیگم ملقب به شاه کوکو والده فیض محمد خان ذکریا،

--محبوب ملقب به ماه گل همسر احمد علی خان سلیمان،

--حمیرا ملقب به کوکوجان همسر محمد رفیق خان،

--فخری همسر محمود خان یاور،

--شهناز همسر امین الله خان،

--حبیبه ملقب به بوبوگل همسر محمد یونس خان،

--همسر عبدالله خان بلوکمشر،

--همسر محمد حسین خان تولیمشر،

--بوبوگل والده سردار بی بی همسر امین الله خان

د پانو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

(برای شرح مزید دیده شود: اسکینازیف می: زنان افغان...، صفحه 11 و 12)  
نکته قابل ذکر آنست که تقریباً همه این خانمها منسوب به آنده خانواده های افغان بودند که در زمان امیر عبدالرحمن خان به هند برتانوی تبعید شده و در آنجا بدنیا آمده و با تمدن عصری آشنا بودند و هم زبان خارجی رامیدانستند.

### اعزام دختران به ترکیه

بر علاوه فراهم آوری زمینه های تحصیل برای نوجوانان افغان در داخل، شاه امان الله تلاش کرد تا عده ای از پسران و دختران را جهت تحصیل به خارج کشور نیز اعزام دارد. چنانچه قبلاً در خزان 1921 به تعداد 90 پسر جوان به اروپا اعزام شدند (48 نفر به جرمنی، 36 نفر به فرانسه و 6 نفر به ایتالیا) و در نظر بود تا در موقع مساعد یکعده دختران جوان را نیز جهت فراگیری طبابت زنانه به یکی از کشورهای اسلامی اعزام دارند. این پروگرام بعد از سفر اروپا عملی شد و بتاريخ 8 میزان 1307 (اکتوبر 1928)

ضمن اعزام یکصد پسر جوان جهت تحصیل به ترکیه، به تعداد 16 دختر نیمه جوان افغان که صنف دوم رشديه مکتب مستورات رابه پایان رسانیده بودند، نیز شامل این گروپ بودند. اسامی یکعده دختران از اینقرار بودند، صالحه دختر نصرالله خان نایب السلطنه، زینب دختر عبدالحمید خان کواسه امیرشیرعلی خان، خدیجه دختر میرهاشم خان وزیرمالیه، روح افزا دختر عزیزالله خان قنیل، زهرا دختر دین محمد خان، هاجره دختر عبدالعزیز خان وزیرداخله، زینب دختر میرزا فیض محمد خان، زهرا دختر محمد بشیرخان، مریم دختر ملا داود خان، گوهر دختر غلام علی خان، سردارو دختر...، زهرا دختر محمد سعید خان، حلیمه دختر عبدالعلی خان نواسه امیرمحمد خان یعقوب خان. (اسکینازی، می: زنان افغان...، صفحه 17 و 18).

قابل ذکر است که جهت وداع آنها مراسم خاص پذیرائی در قصر ستور وزارت خارجه برپا شد و در آن شاه و ملکه هریک را مورد تفقد قرار داده و به ایشان دعای موفقیت نمودند. پسران با لباسهای سفید و دخترها با لباسهای آبی (بالاپوش و کلاه و روپوش نوع مصری) با حضور جمعیت زیادی از رجال دولتی و اعضای فامیل، سوار موترها شده جانب پشاور حرکت کردند. آنها با قطار نخست به بندر کراچی رفتند و از آنجا ذریعه کشتی بطرف استانبول براه افتادند. امور سرپرستی دختران را در طول سفر محمد اسمعیل خان قونسل بعهده داشت و در بندر استانبول توسط سفیر افغانی، (غلام جیلانی خان چرخ) و خانم شان استقبال شدند.

شاه حین خداحافظی شاگردان بیانیه مختصر ایراد کرد و گفت: «وقتی من به ترکیه رسیدم، حکومت دوست و برادر ما ترکیه این طلبای ما را به خرج خود حکومت ترکیه قبول فرمود که در مکاتب مختلف آن مملکت درس بخوانند. البته پسران بعد از طی مراحل رشدی و اعدادی به تحصیل فنون حربی مشغول میشوند و هکذا محصلان عزیز ما چند نفر داکترس و قابله و چند نفرشان در دارالمعلمات ترکیه داخل شده، برای وطن خود داکترس و قابله ها و معلمات ماهر و فاضل خواهند شد.» ملکه ثریا به خانم سفیر افغانستان در ترکیه هدایت داد تا از این دختران که سن شان بیش از 12 سال نبود، سرپرستی کرده و از آنها در همه امور مراقبت جدی بعمل آورد. (وکیلی فوفلزائی: سفرهای... صفحه 281 و 284)

اعزام دختران به ترکیه به سرعت مبدل به حربه تبلیغ قوی مخافان دولت شد و مثل بمب انفجار کرد. یکماه از اعزام دختران به ترکیه مگذشته بود که آتش اغتشاش در وطن شعله ور شد و تبلیغات جدی علیه رژیم اوج گرفت که می گفتند: "پادشاه دختران مسلمان را به کافر ها میدهد و پسران را کافر شده بوطن برمیگرداند".

امید است با این مختصر سؤالات مطروحه جواب گفته شده باشد.